

استفاده شود در حالت صداهای متعادل حتی mp برای بیان جملات پیشنهادی می‌شود که اختیار کردن این دینامیس، باقت زهی مجلسی 17 تا 20 نفره را بسیار نرتر و یک دست‌تر (هموزن) می‌گرداند. در میان جاهای افتضاح پادشاهان می‌رفت چه باید نوشت یکی دو ضرب دیزتر به کار ادامه می‌دادند، این سگاه در مورد ارکستر سمفونیک نسبتاً قابل تضافی است ولی در مورد بافت کوچکی از قبیل زهی مجلسی اصلاً قابل گذشت نیست و از برگزار نکردن سکسویون\* می‌آید. بوجهی که صرف برچامانن این تشکیلات می‌گردد برای ما ایرانی‌ها بوجهی کمی نیست. فضایی هم که برای ارائه آثاری از این قبیل فراهم شده به این سادگی‌ها میسر نبوده و یادمان نمی‌آید نهادی نسبتاً خودکفا بین سال‌های 60 تا نیمه اول دهه 70 شمسی همچون برنامه‌هایی، و در این کیفیت ارائه کرده باشد شاید بتوان دوران طلایی فرهنگسرای ماهمن را در خاطرمان زنده کرد ولی آن نهاد خودکفا نبود و برنامه‌های شهرداری ضمیمه کارش بود و از ارکستر و گروهی که در آن سال‌ها (حدود 17 تا 22) با کمال جدیت فعالیت می‌داشت و کنسرت برگزار می‌کرد امروز چیز یادی نمانده.

در خازنه بی به یادآوری است که ارکستر مجلسی هرکاری می‌توان کرد و زیر نوار (مجموعه آثار) زیادی در دست است که بیشتر به مطلق ایرانی‌ها خوش بیاید از آن میان کنسرت‌های جمع‌وجوری در قرن بیستم برای این بافت نوشته شده که با ارتباط برقرار کردن با مراکز نشر پارتیتور (نت موسیقی) و کمیته‌های موسیقی می‌توان آن‌ها را اجتناب کرد. اینترنات برای این مواقع است دیگر، بختیبد آقایان می‌توان حقوق سه جلسه اضافی ارکستر را برای خرید حداقل 30 پارتیتور اختصاص داد.

پانوشته:

Section ۱ اثر فرانس سسون، کسی بوقت زهر و کفر  
 \* این سلسله می‌تواند که یک خط و نوازندگان نمی‌تواند از پس اجرای صحیح سلسله‌های موسیقی برآید، نو این حکام لازم می‌آید که سرگروه (مستتر) مربوط به جلسه یا جلساتی عادلانه به بردارد این مشکل مدیریت دارد.

آثار:

1. جرج فرتریک هندل، کنسرتو گروپو آپوس ۶ شماره 1 (1766)
2. فولفگانگ آماندوس موتسارت، دیورتمه شماره 1 (1781)
3. آلدوارد گرگ، دو اپری، آپوس 22 (1808)
4. لئو پتلیس مندلسون، سمفونی سوئیس در دو مینور، شماره 2 (1842)

**کیوان میرهادی**

ساده‌ترین آثار هندل\* هم کافی نیست چه برسد به بابوس ۶۰ نصف اعضای این ارکستر یک سال تمام با ارکستری که ناچوانمردانه مثلثی‌اش کردند فقط کنسرتور مینوز، باخ برای پیانو و ارکستر مجلسی را کار کرده و کنسرت داده است و درگ می‌کنند غرضش بنده از چه جانی است پس چرا خانم‌ها و آقایان بازم به فرهنگ کم تمرین کردنی دامن می‌زنند که بنای شوم آن را رهبران ناشی‌بی که در طول سالیان ارکستر سمفونیک تهران را رهبری کرده‌اند گذشتند؟ آقای لطفی (پالین؟) رهبری رسمی خود را بسیار خوب انجام داد و با نشان اضافی منطبق روی صندلی‌ها و در موعدهای مناسب، روحی تازه به کالبد این ارکستر قابل و لاین که در جایگاه شایسته خود نبود ندید و امید است این راه را در سرفوت و در آرایش پیوسته و جدا از موعدهای شهرت و منوعه کردن و سخنانی از این دست (که متأسفانه مندوز هنرمندان سندهای مختلف این سلیکست شده است) به نفس کار ارکستر مجلسی بپردازند و آغاز ایرانی را نیز در دستور کار خویش قرار دهند.

ارکستر فرهنگسرای نیابوران می‌تواند در صدد شناسایی آهنگسازان ایرانی و یا فارغ التحصیلان با استعداد مرکزی که خود را به غلط دانشکده موسیقی می‌فراهند برآید و چون تا آن‌جا که می‌تواند میثاق انسانی قابل و کارشناسی دگر می‌تواند خالی سربخ به این مهم نائل آید.

در مورد خطوط صدایی نیابورگان، می‌توان کلاً خط پاس را بهتر از سایر گروه‌ها در نظر گرفت فقط آرتیکولاسیون (جمله‌بندی و آرشه‌گذاری) اعضای ویسلر در بعضی جاها جندجندا و خام صدا می‌داد که آن هم مساله‌ای مهم نیست و با کار و دقت بیشتر قابل حل است. آسانسبل مجلسی نیابوران از بعد از هفت موبدان تازه گرام شده ولی آسانسبل در هیچ موردی بجمع نرفت و هارمونی‌های پیچیده‌ترین سلی‌لونی (بافت چندصداایی)‌ها نیز صداهای لازم را ایجاد می‌کردند. احتراماً پیشنهاد می‌شود که به جای به کار بردن ۱۰۰-۱۵۰ نوازنده ۶۰-۸۰ نوازنده (بهر صورت) زیادتر شدن صدا) از mf (متوسط فورت) تا نیمه‌قوی

**کنسرت ارکستر مجلسی نیابوران**

۵ فرورد ۸۰  
 فرهنگسرای نیابوران بهیاد آفرینش‌های هنری نیابوران  
 رهبر: ابراهیم لطفی

نیابورانی‌ها ارکستر خوب و نوازندگان قابل بهمه آورده‌اند و در آینده نچندان دور یکی از بهترین ارکسترهای مجلسی تمام دوران‌های این مملکت خواهند شد. تقریباً یک سال و اندی است که این ارکستر تشکیل شده و نوازندگان به تمرینات منظم و سختگیرانه مشغول‌اند و نمی‌توان با وجود جوانی اعضاء منکر تحریبات باقی ایشان گردید. اکنون این ارکستر کمیگم دارد شکل حقیقی و لغضای واقعی و وفادار را پیدا نموده و تجربه می‌نماید، یکی می‌آید یکی می‌رود ولی این مهم است که شکل برقرار بماند که نشانه می‌ماند.

برنامه آقای ابراهیم لطفی صرف‌نظر از یکی دو خطا که آن هم جانشی و شیرینی کنسرت‌های زنده و در فضای باز است به صورتی یک دست و روان اجرا گردید که از آن میان اجرای بلژی‌های گرگ بسیار جالب‌تر بود، گو این که نمی‌توان از صداهای زیبای ارکستر به هنگام اجرای نمانده: از سمفونی سوئیس مندلسون شغال گشت که گروه بهتر است در این مورد کار کرده و این نوع صداهای را که هم دراماتیک است و هم تمام نوازندگان در حالتی یک دل نوازندگی می‌نمایند بیشتر در دستور کار قرار دهد و از اجرای آثاری از قبیل ۱۰ پورتیتور موتسارت با لجه ایرانی صدای خوبی شنیداری زرد، البته این اهتمام در شنیدن آثار موتسارت با اجراهایی از قبیل دکالز یوفه، یا باه ویل مارینز با بعضی اجراهای دشمنکسلی، می‌بایست از سوی نوازندگان و طلی سطحات متعادی بحث و بررسی گروهی انجام می‌گرفت که نمی‌توانم چه آزاری به برگزاری هرچه سریع‌تر کنسرت در این مملکت متحد داد. فرهنگ ۵۵ تا تمرین 2 شب کنسرت به برای اجرای

## کنسرت گروه آویزه

۲۵-۲۶-۲۷ تیرماه ۸۰

فرهنگسرای نیاوران / ابتداء آفرینش‌های هنری نیاوران

در فضایی دلنشین و زیاده‌اش در نورانی نهمندان پایدار و در هوایی دلپذیر و مطبوع، شاهد کنسرت گرم و هیجان‌انگیز از گروهی بودیم که به جرأت بگوییم نظیرش در سه دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. شاید این کسی افرای به نظر آید اما دلایل زیادی دارم که می‌گویم بیان‌شان کنم:

۱. تشکیل و رابط‌سازی و از همه مهم‌تر پایبندی و سبک‌جانی چنین گروهی در شرایط فعلی؛ جز با حمایت مستحکم دولتی و یا بودجه خاص امکان‌پذیر نیست. یکی دیگر از دلایل برتری این ملکن چنین حجم عرض و طوبی از دستگاه و باند و آمپلی‌فایر و مهندسی و نوازندگان و سازها همانا این دانستن این گروه به حمایت دولتی است که برای تشکیل از این دست امری حیاتی بوده و دیدگاهی سنجیده و پخته به نظر می‌آید. به هر حال گروه خوب بود اما دست و امیدواریم همچنان به کار خود ادامه دهد چون کاری ماندگار در تاریخ موسیقی ایران از خود به جا نهاده است و هر لحظه نیز بر مشتاقان این نوع موسیقی افزوده می‌گردد.

۲. رفتار موسیقی ۱۹۵۰ها که کمتر باید این گروه دست در دست درستی ترکیبی از جاپایی، فرانسه و موسیقی مللی یا سنتی بومی‌های گوناگون را به دست موسیقی ایرانی به انتقال می‌رساند که تحت تأثیر عصر ریتم و وارن‌بسون‌های گوناگون آن چنین (Fusion) حالتی آویزه را می‌سازد. یعنی آویزه استیلی با صداهای خاصی دارد که از طریق فوژن یا انتقال بیان می‌گردد که خود زیر مجموعه تفکر Hybrid است.

آویزه در حالت صداهای گنگ (همه سازها باهم) سواربندی (صداهای) بی‌یکتا و بی‌نظم دارد که از سازبندی خاص ایشان نشانی گرفته و در مثل‌های آلبوم و مصری و یونانی و یاکمی قطعی با بومی بازمی‌خوردند. خود نوازنده می‌گوید: البته ریتم ساز سنتی و تلفیق آن با پیانو و سینتی‌سایزر و فریم‌ت‌های چیزی نیست که فقط مختص کشف اختصاتی این گروه باشد و دیگران در جغای دیگر و یا حتی خود ایران نیز نظیر همچو کارهایی را سوادند اما ترکیب خاص این گروه و شناس آن در جلیب ره‌های رسانه‌های صدای امروزی است در خود تصنع یعنی با چنین حمایت‌هایی بی‌این گروه شایستگی آن را دارد که از مرزهای ایران فراتر رفته و با امکانات دولتی نمایانند.

یکی از شاخه‌های موسیقی نوین ایران باشد فراموش نشود که آوران چند ریتم مرسوم آفریقایی آن‌طور که در موسیقی جاپایی یا گنگو یا حتی فرانسه مرسوم است دلیل بر پاپ بودن صداهای نیست در حقیقت از برای ظاهر ساده و بی‌انداز گروه و نوازندگی‌های پرشور و در عین حال متنی که در دید موسیقی ایرانی می‌توان به پوشش زیرگانه به فرم و ساختار مستحکم و تفکر موفولیک (یکصدایی) پی برده و نوعی جزب ترکیبی زبانی از نو و صدا و شنوندگان صاحب ذوق خاطری بی‌دیع از خود برجای نهاده‌اند. این آویزه‌ها و اعمال از هر جای ایران که باشد و در جهت تکامل و ماندگار شدن هنر یکتای موسیقی ایرانی و در دید دستگاهی یا مقامی انجام بشود مورد تقدیر است و تعداد این اعمال باید زیادتر گشته تا موسیقی ما از رکود درآید. تحول موسیقی ایران زیاد دور نیست.

الذک اندک جمع مستان می‌رسند!  
فضات کوهستان، مام وطن، کلاز، مهتاب، سحر و سحر، سواحل، نسیمین، دریا، پارسه، شیرین، نوپا، پاک‌بازان  
فراموش نماند (منبع: عبدالکلام، کوشک، ۱۳۳۳) (۱۳۳۳)  
گیتار باس، بلک ریتمی (۱۳۳۳)  
پیانو، کیبورد، راین هم (۱۳۳۳)  
بی‌آبرامی (۱۳۳۳)

موسیقی پاپ بر ضد موسیقی اشرافی کلاسیک کرد. حال شما با دیدگاهی آریزینتال می‌خواهید کودتایی یک‌دست بر ضد گیتار آکوستیک یا کلاسیک بنمایید بفرمایید! قدمت روی چشم! در آورده صدای آکورد مرسوم گیتار از سه‌تار یا باقلاما یا ناز کجایش ایراد دارد؟ وقتی صدای زبانتار و یک رنگ‌تری از سنخ موسیقی ایرانی در تکامل خوش می‌کوشد چرا فرخ‌نران در می‌آید؟ کجای این کار ایراد دارد؟ وقتی مهندسی صدا از گیتار به با فیکچر صدایی نظیر ویسلن (در کنسرت‌های unplugged) تولید نموده و به فضاسازی باکله آویزه کمک کرده و لهجه مخصوص این گروه را شکل می‌دهد کجای این کار ایراد دارد؟ تعادل صدایی ملی یا با پیانو و از آن طرف سنسور یا سینتی‌سایزر یا فیکچر و ناز با ریتم‌ساز چه از روی به استفاده از آن با ۳ سینم بود خدا می‌داند! حجم به‌تر را از پیانو یا سینتی‌سایزر هم می‌توان گرفت فقط در سایه مهندسی صدا و صدابرداری و باندهای گران‌قیمت حاصل می‌شود.

۳. آویزه مدولاسیون (تغییر ناگه و رنگ و هوا و یا حتی تن مرکزی) را خوب شناخته و از این مسئله به زیبایی و به صورت ناگهانی استفاده می‌کند، مدولاسیون ضربی هم راست کار این گروه است و انگار در خون‌شان جریان دارد چون خیلی خیلی طبیعی جمله‌های گنگ (مضاً کلامی) را به جمله‌های ۴ ضربی و ۳ ضربی مرسوم وصل می‌نمایند که به جذابیت کار می‌افزاید و در ضمن از خسته شدن گوش شنونده به هنگام جملات یکسان تکراری جلوگیری می‌کند. شاید جملات و ضرب‌های تکراری و آسوری از دید بی‌نیال باشد و شاید گروه خواست تا در این جمله نیز زور آسانی کند اما متأسفانه اگر این‌گونه باشد آقایان موفق به برقراری می‌نمایند نگرددند. پلی‌ریتم افقی گروه شایسته تحسین است در حالی که از پلی‌ریتم عمودی هرچه گشتم اثری نماند، شاید دید پاپ و سهل‌الهمم مانع از این کار شد که خود این امر نیز براه نیست.

۴. نوازندگان گروه همه در سطحی مطلوب از شعور و نوازندگی به هنرنمایی پرداختند و از آن میان نوازنده سنسور (پدال درخشانی) با دیدگاهی قابل قبول از مقام و Jazz و راک جملعه‌های بدیع ارائه می‌دهد که به فیوزن دلخواه نزدیک می‌گردد. گروه باید به سبک Jazz و تلفیق آن با موسیقی و تفکر خود برآید، اینجانب شخصاً Blues را پیشنهاد می‌نمایم و شنیدن آلف راک تاویر، یان کارپورک، کیت جارت، پت سیتی، پاکو دیولوسیا و امروزی Free Style اصولاً توصیه می‌شود. مدل‌های راک انگلیسی یا توالی‌های آکوردی VI-VI-VI که آقایان می‌دانند زیادتر از این کار ساز خواهد بود و عرض را کرده است.

موسیقی ایران تحولی نوین و بی‌سابقه را تجربه می‌کند، در این میان شاید خشک‌تر یا هم بسوزند، از این مجال‌ها در تاریخ موسیقی زیاد بوده و نازکی ندارد، ولی یک امر همیشه در تاریخ موسیقی به اجابت رسیده و این آن که هر چه برای کس با تفکر آموخته شد و به‌زور و بزور خیره نگشت ماندگار شد. گروه آویزه در اجرای شب آخر خود و در قطعه دریا به گل یکپارچه‌ی رسید و نوازه به همه متصل شدند و ترکیبی زبانی از نو و صدا و شنوندگان صاحب ذوق خاطری بی‌دیع از خود برجای نهاده‌اند. این آویزه‌ها و اعمال از هر جای ایران که باشد و در جهت تکامل و ماندگار شدن هنر یکتای موسیقی ایرانی و در دید دستگاهی یا مقامی انجام بشود مورد تقدیر است و تعداد این اعمال باید زیادتر گشته تا موسیقی ما از رکود درآید. تحول موسیقی ایران زیاد دور نیست.

الذک اندک جمع مستان می‌رسند!  
فضات کوهستان، مام وطن، کلاز، مهتاب، سحر و سحر، سواحل، نسیمین، دریا، پارسه، شیرین، نوپا، پاک‌بازان  
فراموش نماند (منبع: عبدالکلام، کوشک، ۱۳۳۳) (۱۳۳۳)  
گیتار باس، بلک ریتمی (۱۳۳۳)  
پیانو، کیبورد، راین هم (۱۳۳۳)  
بی‌آبرامی (۱۳۳۳)

## کنسرت گروه گر

کیوان میرهادی

۲۸ و ۲۹ تیر ۸۰

فرهنگسرای بهمن با همراهی کوارتت زهی

رهبر: مهدی قاسمی

پیتو: پویان آزاده

اجراهای محلی ایرانی وی به یادماندنی بودند. سوپرانوها (خوانندگان زن با صدای فرکانس بالا) بهترین خط بوده و چند خاتم خواننده روی صدای خطوط کار کرده و زحمت کشیده‌اند که تمام بار برنامه ظاهراً به دوش همان چند نفر بود. خاتم‌های آلتو کوک می‌خوانند ولی رنگ آلتو کمتر به گوش می‌خورد و گاهی اوقات گروه‌خوانی را فراموش می‌کردند اما کاملاً خوب و قابل قبول عمل کردند. به‌مراحل شایسته است که نزد معلمان آواز به‌طور جدی‌تر به فراگیری ریموزیل کانتو (صدای شکم و دیافراگم) پرداخته و رزولانس دیافراگم را در کلسه سر بیندازند نه در گلو. خط باس می‌تواند حجیم‌تر و ژرف‌تر صدا بدهد، باس در مناطقی به صوتی که رنگ و خالی صدا می‌کرد و در مولامی چند جند خواننده باهم شروع به لب زدن می‌کردند. باس از اصلی‌ترین خطوط بوده و به همراه سوپرانو صداهایی را تشکیل می‌دهد که توجه مخاطب در وهله اول به آن‌ها جلب می‌شود، باس نیز کوک می‌خواند و رنگ‌آمیزی صوتی آن بهتر از آلتو عمل می‌کرد ولی هنوز تا کامل شدن فرصت کافی در اختیار دارد. آقایان تنور نیز خوب و کوک می‌خوانند ولی بازم صدایشان از گلو است و تن دادن آقایان در ایران به یادگیری آواز نرود معلم آواز کلاسیک سخت بوده و نمونه‌های زیادی در دست‌نیست چون معمولاً آقایان با هدف خوانندگی پاپ وارد گروه شده و معمولاً به‌راه پیشرفت در زمینه پاپ خط تنور را برکنده و به رهبر گر خود را می‌نویسند، رهبر بجا که هم در کمال حسن نیت به آلتان مهیاان داده و در نهایت عالی‌جنابان سر از کلسه‌های پاپ آن‌چنانی و پوست‌های آن‌چنانی‌تر و زست‌های عاشقانه درآوردند که هیچ ربطی به موزارت و چایکوفسکی و گمستاس نداشته و ندارد. آقای قاسمی این موضوع را کاملاً مدنظر داشته و حواس خود را در این مورد جمع کند و به انگیزه‌های خوانندگان (در هر خط خوانندگی گر) دقت لازم را مبذول داشته و فرهنگ لازم برای خواندن آثار مختلف را از خوانندگانی که این فرهنگ را دارند طلب نماید. گویان که بسی توان‌بختر پیشرفت کنی شد و زحمت وی را ندیدم گرفت حتی پاپ‌خوانی هم آبیست نیست اگر خواننده می‌شرف کار خود را داشته باشد در هر رشته‌یی که بخواند و فعالیت کند قابل تقدیر است. نکته دیگر انتخاب آثار گوناگون و زبان‌های مختلف است که البته از گر نیمه‌آماتور - نیمه‌حرفه‌یی مثل گر فرهنگسرای بهمن انتظار می‌رود که در ادای صحیح فرازهای جمله‌ها و کلمات و آکسان‌های وایها یا تونامی و بلندی کشش آن‌ها دقت نموده و به فضای ژبانی آن زبان نزدیک گردد که مشورت با یکی دو زبان‌شناس می‌تواند مفید واقع گردد چون گویشوران زبان‌ها به نحوه تلفظ زبانشان حساس‌اند. تعادل

صدایی گر در حالت # به نفع خط خاتم‌های سوپرانو بود، احتراماً پیشنهاد می‌شود که دینامیس *mf* برای این حجم در نظر گرفته شود تا بافت هموزن حاصل آید. گویان که گروه در قطعاتی نظیر شب آرتوگون و یا اهوی وحشی با امان گل بسیار یکدست و عالی عمل کرده و خطوط صدایی هنرنگ و یکدل می‌خوانند و موزیکالیت (ادای باحساس و درونی جملات موسیقی) گروه بسیار خوب و قابل قبول بود، به‌مراحل گستن این حرف‌ها از عمل کردن به آن‌ها آسان‌تر بوده و رهبری گر دل شیر می‌خواهد و صبر ایوب که برای آقای قاسمی آرزو می‌کنیم تا حاصل شود، بیانیست برنامه نیز بسیار خوب و هشیارانه عمل می‌کرد، نوازندگی ایشان کسی عجولانه است و در بعضی مواقع به دنبال گر می‌رود. درحالی که این گر است که به پشتوانه صدایی پهلوی و رنگ‌های گرم آن بیشترگرم است. در نهایت بیانیست گروه گر آکوستیاتیاتور (همراهی کننده) است و نباید بر بافت صدایی گر غالب شود و نوازندگی با گروه گر از نوازندگی سولیستی و با دینامیس # یا *ff* (خیلی خیلی قوی) کاملاً سوا و متفاوت است که این امر با صلاحیت رهبر انجام می‌گیرد. بیانیست‌هایی که با گر همراهی می‌کنند همیشه می‌دانند که صدای یک خواننده که پل کنتو می‌خواند از صدای ۱۱۰ نوازنده ارکستر سمفونیک که درحالت *mf* می‌نوازند قوی‌تر بوده و کاملاً به گوش می‌رسد پس رهبر گر را کنترل می‌کند تا صداهای متعادل شود و بیانیست نیز باید این نکته را مد نظر داشته باشد.

مشاقه منتظر کنسرت‌های بعدی این گروه که

اخبار آن در سایت زیر موجود است همین

<http://bahmanchoir.hypermart.net>

برنامه:

۱. Ave Venum Corpus (موسارت) (۰۰۰۰)
۲. Sancta Maria ۲ (موسارت) (۰۰۰۰)
۳. قسمتی از اپرای آرفه و آریدیس (کلوک) (۰۰۰)
۴. شب (گرونو) (۰۰۰)
۵. شجرال از اپرای اولاف تریگولسون (گوبک) (۰۰)
۶. کورال از اپرای ایرچینک (چایکوفسکی) (۰۰۰)
۷. مجموعه ژرال‌های محلی ایران (شامل ۹ تیراه) (۰۰۰۰)
۸. فردوسی (مرتضی حنا) (۰۰۰)
۹. ایم چینی‌بار (گمستاس) (۰۰۰۰)
۱۰. کارناوا (گمستاس) (۰۰۰)
۱۱. موزیکا دی فستا (باتالو ریمولدی) (۰۰)
۱۲. Chamer (از کارمینا پورانا) (آرف) (۰۰۰)
۱۳. O Fortuna (از کارمینا پورانا) (آرف) (۰۰۰)